

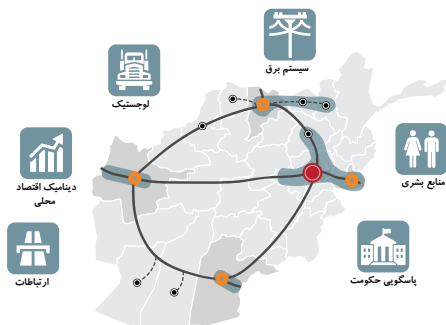
کنترل اقتصاد شهری

ایجاد هماهنگی میان اقتصاد شهری و پلان گذاری فضایی جغرافیای شهری جهت رشد فراگیر و قابل تغییر

نقش شهرهای افغانستان در جریان دهه تحول (۲۰۱۵-۲۰۲۴) بحیث مراکز مهم در تحول اقتصادی و یکپارچگی اجتماعی غیر قابل انکار می باشد. هم اکنون، شهرهای عمده تأثیرات منفی رشد ساحات غیر پلانی همچو فقر شهری، بیکاری، خلا ها میان رشد درآمدها، و فعالیت های اقتصادی غیر رسمی را تجربه می کنند. هم محورسازی پالیسی های دولت با اولویت های دولت که باعث هماهنگی بین اقتصاد شهری و استراتژی های انکشاف فضایی جغرافیای شهری، سرمایه گذاری روی زیربنایا و تبدیل اقتصاد غیر رسمی به رسمی می شود، می

صفحه مباحثه شماره ۴، سلسله دوم، مارچ ۲۰۱۶

تصویر شماره ۱: تطبیق یک رویکرد فضایی جغرافیای شهری مرحله وار برای طرح پالیسی های مؤثر جهت تأثیرات دراز مدت و نتایج فوری



هم ردیف ساختن انکشاف استراتژی اقتصادی همراه با پلان جغرافیای شهری به سطح ملی



به سطح یک ساحه، هماهنگ سازی و تقویت بخشیدن دیدگاه های قیمت مؤثر زیر بنای اقتصادی



به سطح سرک، منظم سازی مارکیت ها غیر رسمی و مدغم سازی اقتصاد و تجارت غیر رسمی در بافت شهر نسبت به از بین بردن آن

استحکام ریشه های اقتصادی موجوده و ایجاد مسیرهای جدید

شهرهای افغانستان باید از طریق تجدید نیروی سکتورهای تجاری تاریخی و فعالیت های تولیدی اصلی خویش در انتقال به صنایع قرن بیست و یکم، توازن خود را حفظ نمایند. از نگاه تاریخی، جایگاه افغانستان در بازارهای بین المللی و منطقوی، منحصراً عرضه کننده تولیدات زراعتی و صنعتی مانند میوه و خسته باب، پنبه، قالین و تکه جات در بازارهای بین المللی و منطقوی تثبیت شده بود. افغانستان با غلبه بر محدودیت هایی همچو محصور بودن به خشکه به حیث قلب راه ابریشم ایفای وظیفه کرده است. مراکز عمده تجارتی در چهار گوشه افغانستان به منظور تقویت اتصال و نزدیکی به کشورهای همسایه از طریق گردآوری فعالیت های اقتصادی بوجود آمدند. هم اکنون، این مراکز تجارتی منطقوی در پنج شهر بزرگ افغانستان - کابل، جلال آباد، مزار شریف، هرات و کندهار - موقعیت دارند.

در جریان یک دهه گذشته^۱، شهرهای افغانستان هم از نظر سرعت رشد نفوس و هم از نظر بافت رشد، تغییرات قابل توجه در اقتصاد و فضای جغرافیای شهری را تجربه کرده. شهرهای تجارتی و ترانزیتی همچو لشکرگاه، کندوز، تالقان، پلخمری، شبرغان، زرنج، میمنه و غزنی بحیث مراکز منطقوی اقتصادی در حال رشد هستند. فعالیت های اقتصادی شهری مانند خرید و فروش عمده و پرچون، تولیدات، اداره عامه، خدمات، ترانسپورت و ساختمان سازی به سرعت جایگزین سهم تولیدات سکتور زراعت در تولیدات داخلی کشور^۲ می شوند. سکتورهای پیشرفته مانند انرژی قابل تجدید، تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی و مخابرات به آهستگی بازار شغل شهری را فراهم گرفت و توانایی های بالقوه و نوآوری را جهت ایجاد اشتغال فراهم خواهد کرد.

هدایت بر ساحه تطبیق پالیسی

اساساً، پالیسی های رشد اقتصاد شهری باید به تقویت عوامل محرک رقابت ها توجه داشته باشد که عبارت اند از: کیفیت زندگی، پاسخگویی دولت، زیربنایا، منابع بشري، قدرت تحرک اقتصاد محلی و هزینه های پیشبرد فعالیت های اقتصادی^۳. با توجه به شرایط محیط جغرافیای سیاسی افغانستان، از طریق تقویه توانایی های فعلی اقتصادی جهت نمایش نتایج محسوس ثبات اقتصادی و اولویت های استراتژیک درازمدت باید تقویه شوند. این مقاله، استراتژی های انکشاف اقتصاد شهری در سطح شهرها و نیز سرمایه گذاری های زیربنایی تخصصی خاص را که باعث رشد تولیدات و مؤثریت اقتصادی می شود، تهیه و تحت بررسی دقیق قرار خواهند داد.

^۱ گزارش وضعیت شهرهای افغانستان، در سال ۲۰۱۵.

^۲ در سال ۲۰۱۴، فعالیت های اقتصادی شهری مانند سکتور خدمات ۵۰٪ تولیدات ملی داخلی را شامل می شد، این در حالی است که سکتور خانه سازی فقط ۲۴٪ از تولیدات ملی داخلی را تشکیل داده بود. گزارش وضعیت شهرهای افغانستان، در سال ۲۰۱۵

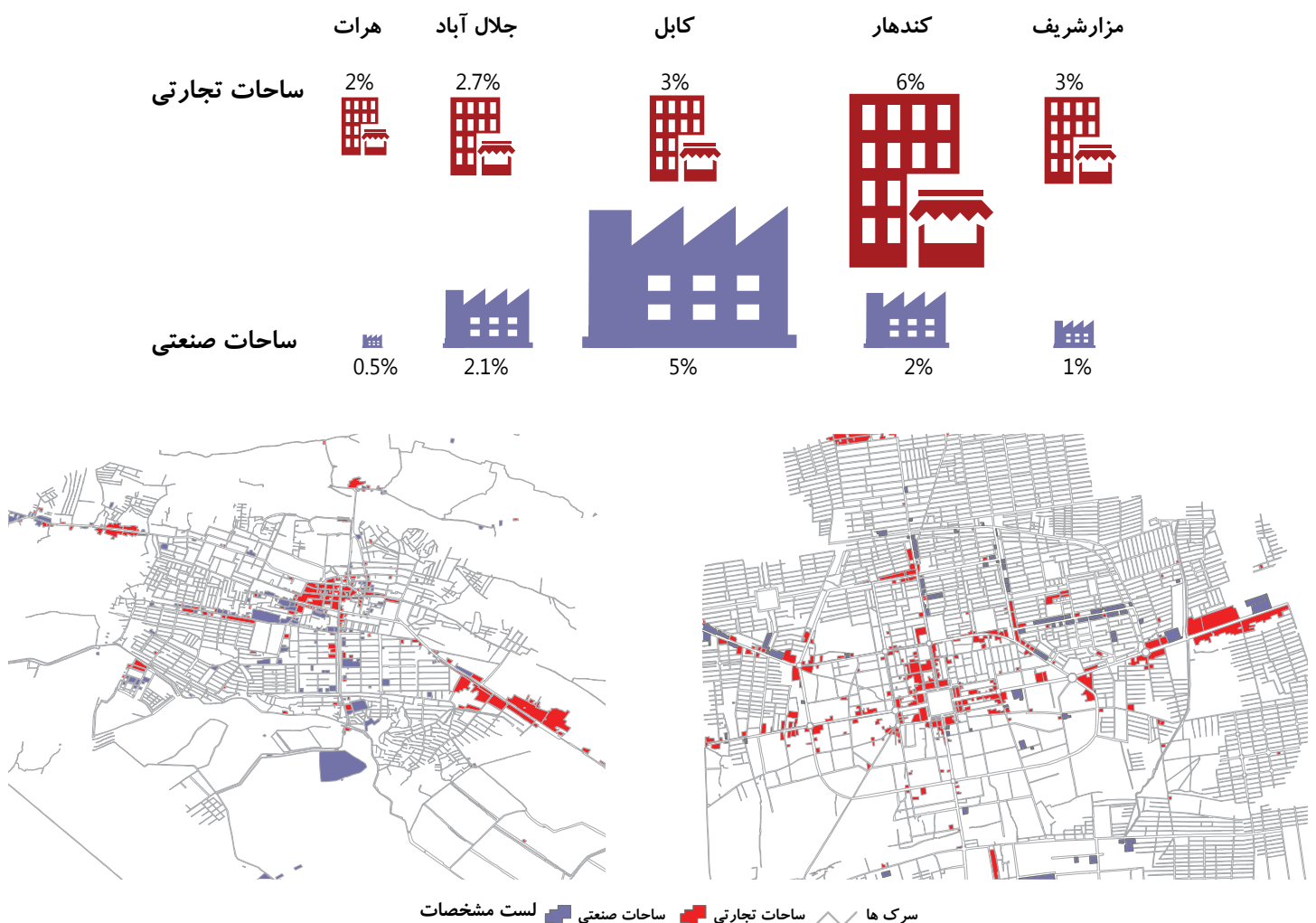
^۳ در سال ۲۰۱۴، بخش اقتصاد شهری، دفتر اسکان بشر ملل متحد (UN-Habitat).

استراتژی شماره ۱: استراتژی های فضای جغرافیای در سطح شهر جهت اقتصاد شهری

مشخصات فضای جغرافیای اقتصاد شهری در افغانستان به اساس رشد خود سرانه و غیر پلانی شهر دنبال شده است. گزارش وضعیت شهرهای افغانستان در سال ۲۰۱۵ در مورد نحوه استفاده زمین نشان می دهد که فعالیت های تجارتی در افغانستان در قالب تأسیس بازارهای غیر رسمی در امتداد بافت سرک های عمده و شاهراه های که اسکان اطراف را به مراکز منطقوی وصل می کنند گسترش یافته

تصویر شماره ۲: پراکنده گی فضای جغرافیای اقتصاد شهری نشان دهنده نحوه ناقص رشد می باشد.

فیصدی ساحات تجارتی و صنعتی در شهر های افغانستان عموماً کمتر در در مقایسه به شهر های اقتصادی کارا در امریکا بوده که از ۵ تا ۶ فیصد زمین برای ساحات تجارتی و صنعتی در آنجا اختصاص داده شده است. در حالیکه در شهر های عمده و بزرگ افغانستان فیصدی ساحات صنعتی کمتر از ۲ فیصد به اثنای شهر کابل بوده که تقریباً ساحات تجارتی ۳ فیصد از ساحه را تحت پوشش قرار داده است که نشان دهنده عدم استفاده از ظرفیت های اقتصاد شهری افغانستان بدلیل تخصیص نامناسب زمین و پالیسی های فضایی شهری غیرموثر می باشد.



جلال آباد: زمین های تجارتی در مرکز شهر و در امتداد خط شرق-غرب قرار گرفته اند. زمین های صنعتی به صورت وسیع پراکنده بوده و در امتداد سرک های کم عرض واقع اند. علاوه بر این قرار داشتن ساحات صنعتی در میان ساحات مسکونی و تجارتی باعث بروز مشکلات در استفاده از این ساحات می شود.

مزار شریف: فعالیت های تجارتی در امتداد میراث تاریخی (باستانی) در مرکز شهر بصورت مختلط با فعالیت های اداری قرار دارد. در حالیکه سایر ساحات شهر دارای ساحات تجارتی نزدیک و قابل دسترس نبوده و بصورت وسیع به مرکز شهر وابسته می باشند که به همین دلیل مردم متحمل هزینه های رفت و آمد زیاد می شوند.

بدلیل پلان گذاری و کنترل انکشاف غیرموثر و ناکافی، ساحات وسیع در داخل شهرها به فعالیت های تجارتی و به مراکز صنعتی پراکنده به آسانی دسترسی نداشته اند. پیامد های منفی حاصله از اینگونه پلان گذاری ها شامل ازدحام ترافیک، آلودگی هوا، موثریت پایین نیروی کار و ضیاع وقت هنگام رسیدن به کار می باشد. موثریت کمتر سرمایه گذاری ها روی زیربنایها و سایر سهولت های عامه همچو برق، آب، تلفون و غیره جهت عرضه خدمت به مشتریان تجارتی و صنعتی نیز از عواقب عدم تراکم مراکز تجارتی و صنعتی می باشد.

مشوق مالیاتی مانند تعرفه های گمرکی واردات-صادرات را پیشکش می کنند. از آنجاکه موضوعات و مسایل پیچیده مانند منازعات در مورد قباله، استملاک زمین و مجوزهای انکشافی در زون های خاص اقتصادی وجود داشته که از جمله مسایل قابل بحث برای تمام سرمایه گذاران میباشد. اگر این مسایل پیچیده در این ساحات حل شوند می توانند یک فرصت خوب برای جذب سرمایه گذاران باشد.

استراتیژی شماره ۳: ادغام فعالیت های اقتصادی غیر رسمی در شهرها

سرمایه گذاری های غیر رسمی رو به رشد در شهرهای عمده افغانستان باعث بوجود آمدن مراکز اقتصادی و تجارتی گردیده اند. فعالیت های اقتصادی غیر رسمی اگر چه تحت مطالعه قرار نگرفته است، تقریباً ۹۰٪ از مجموع فعالیت های اقتصادی در افغانستان را تشکیل داده که دارای بیشترین قوای کار^۶ افغانستان را دارا میباشد. پرچون فروشی، کارخانه ها و سکتورهای ساختمانی از عوامل اصلی تحرک فعالیت های اقتصادی غیر رسمی و قانونی در شهرهای عمده می باشند. در حالیکه جوانب منفی فعالیت های غیر رسمی این است که قشر محروم و فقیر شهری خصوصاً زنان، پاننده ها و بیجا شدگان داخلی در مقابل دستمزد اندک و سیستم محافظتی اندک مجبور به انجام شاقه ترین کار ها شوند. کمبود پالیسی ها و رهنمود های دیزاین برای سرک ها، دست فروشان و استفاده های غیر قانونی از ساحات توسط کراچی های سبزی کاری جات که در خلاف قانون پیاده رو ها و حرکت های ترافیکی بوده، باعث تأثیرات منفی و مضر محیط زیست شده بخصوص باعث ایجاد کثافات بیشتر در بسیاری از شهر های افغانستان میشود.

فعالیت های اقتصادی غیر رسمی شهری برای طبقه فقیر شهرها یک منبع حیاتی اشتغال و درآمد بوده و به این خاطر پالیسی های مؤثر بجای حذف اینگونه فعالیت ها را باید رسمیت بخشند. دو طبقه وسیع از پالیسی های قانونی تأثیرات مستقیم بر فعالیت های اقتصادی غیر رسمی داشته می توانند: (الف) پالیسی های اقتصادی که ایجاد، عملیات و موثریت سرمایه گذاری های غیر رسمی را تحت تأثیر قرار می دهند؛ و (ب) اقدامات محافظتی اجتماعی و نیروی کار که حقوق کارگران و امتیازات شغلی را تحت تأثیر قرار می دهند.

جهت پیوستن اقتصاد غیر رسمی به سکتور اقتصادی رسمی، هزینه های ثبت، مراحل اداری و مصارف قانونی برای انجام فعالیت های تجارتی باید به حداقل کاهش یابد تا فضاء مناسب برای انجام فعالیت های اقتصادی فراهم گردد. مثلاً اقدامات تشویقی برای رسمیت بخشیدن به فعالیت های غیر رسمی می توانند شامل صدور جوازنامه ها برای فروشنده ها و تاجران کوچک و نیز بهبود دسترسی به خدمات اولیه، بازار و دفاتر می باشد.

حکومت ها میتواند پالیسی ها در شهر ها جهت بهتر سازی و مدغم کردن سکتور های غیر قانونی(اقتصادی و تجارتی) در بافت شهری طرح نماید. شهر بناکاک و دهلی از جمله شهر های بوده که که قانون و پالیسی خوبی را جهت تقویت بخشیدن فعالیت های تجارتی در سرک های شهر پیشنهاد و ایجاد کرده اند و یک شهر قابل زندگی را ساخته بدون اینکه کدام تخطی در قانون پیاده رو ها و عبور مرور وسایط نقلیه بوجود بیاورند. بطور مثال ایجاد پیاده رو های وسیع و فراخ همراه با ساحات دیزاین شده و زمان مشخص برای دست فروشان در دسترسی بهتر به مقیاس واحد همسایگی و ناحیه مانند مرکز شهر، فروشگاه ها به سطح ناحیه، ساحات فرهنگی که رهنما و تجربه خوبی برای یک بافت منظم شهری میباشد. ارگان های ذیدخل شهری باید ساحات را جهت فعالیت های دادستد شخصی و عامه تهیه نماید که میتواند فرصت خوبی برای مارکیت های روزانه و هفته وار تجاران و هنرمندان باشد. شهرنایروبی و دهلی یکی از موفق ترین شهر ها در ایجاد این مفکوره بوده. رهبران شهری باید پالیسی ها را جهت تسهیل بخشیدن فرصت ها برای امرار معشیت ملاحظه کنند که برای طبقات مختلف مانند فامیل های بی بضاعت، مهاجرین، بی جا شده گان و خانم ها خصوصاً آنانیکه از فعالیت های اقتصادی و تجارتی غیر قانونی امرارمعشیت میکنند موثر تمام شود.

طبقه بندی و گرد آوری فعالیت های اقتصادی در شهر جهت رشد رقابت سالم

پالیسی سازان در سطح شهرها برای تقویت بیشتر تحرک اقتصادی در شهرهای افغانستان باید یکجا سازی فعالیت های اقتصادی را تسهیل نمایند. گرد آوری این فعالیت ها باعث ادغام نیروی کار و انتقال مهارت ها، تبادل دانش و بازاریابی برای اجناس می گردد که تمام این عوامل باعث بهبود تحرک اقتصاد شهری می شوند. یکی از ویژگی های برجسته دیگر این طبقه بندی و گردآوری، تمرکز بالای شبکه های تجارتی بزرگ و سرتاسری نسبت به تجارت های انفرادی میباشد و این برای رشد رقابت و نوآوری در مقیاس بزرگ مفید خواهد بود. یکجا سازی و ایجاد رابطه میان دوران مصرفی مواد(زنجیره های ارزشی رو به بالا رو به پایین) در ساحه فعالیت های اقتصادی با در نظر داشت شاخص های مکانی و جغرافیایی بسیار حیاتی بوده و برای اقتصاد شهری و فعالیت های بالقوه آن خیلی مؤثر میباشد. دست اندرکاران شهری و پالیسی سازان برای گردآوری فعالیت های تجارتی، اقتصادی، صنعتی میتوانند از ابزار قانونی مالی استفاده نموده و بدین ترتیب موقعیت های مناسب، قطعات کافی زمین و زیربنا های ضروری را تشخیص دهند. بگونه مثال بخش زارعت صنعتی افغانستان با استفاده از تحلیل و سنجش های دقیق دوران مصرفی مواد میتواند زیربنا های حیاتی و مهم را درین بخش شناسایی نموده، تخصیص زمین، مطالعه تحقیق و انکشاف، دستیابی به مارکیت ها و نمایندگی های تجارتی و بالاخره تمام موضوعاتیکه با آن ربط میگرد را بررسی نمایند.

استراتیژی شماره ۲: اولویت بندی زیربناهای اقتصادی در موقعیت های استراتژیک

اتصال بین شهرها و ترانسپورت داخل شهری، موجودیت برق، مخابرات، آب و سیستم دفع فاضلاب و سایر خدمات شهری از پیش نیازهای ضروری برای سرمایه گذاری های صنعتی در تشبث های کوچک و متوسط و بزرگ^۷ می باشد. بدون شک هر یک از شهرهای افغانستان با کمبود زیربنای قابل توجه مواجه هستند در حالیکه این اولویت بندی ها و نیازمندی ها را برای زیربناهای اساسی به اساس ارزیابی ها و تشخیص دقیق پتانسیل رشد سکتوری های اقتصادی و هم چنان تنگنا ها و قوه های متراکم در شهر ها باید صورت گیرد که توسط آن پوتانسیل توسعه اقتصادی مناطق شهری و تشکیل شرکت ها را کنترول و مهار شده میتواند.

شاروالی ولسوالی های استراتژیک مانند تورخم و اسلام قلعه در تجارت منطقوی، از جمله مراکز صادراتی- وارداتی و عبور و مرور مرزهای مهم می باشد. این شهر ها و شهرک های مرزی نیاز به زیر بنای خاص دارند تا بتواند جوابگو تمام نیاز مندی های آنها باشد. بطور مثال سیستم های تدارکاتی و ترانسپورتی، تسهیلات گدامها، ترمینل های (اده ها) ترانسپورت، محل تخلیه بارها یا محموله های تجارتی، گمرکات و دفاتر اداری که منجر به تسهیل تجارت داخلی در دو طرف مرزها می شود. متشابا، سرمایه گذاری های زیربنایی باید به اساس استراتژی های ملی فضای جغرافیای شهری صورت گیرد طوریکه ایجاد و تشویق سکتور های تجارتی در نزدیکی منابع طبیعی صورت گیرد بطور مثال جابجای سکتور ساختمانی و پروسه تولید و عرضه مواد آنها در نزدیکی به ساحات معدینات که فرصت را برای ایجاد شغل در مقیاس بزرگ و هم چنان در میان منابع بزرگ قواه کار غیر ماهر و ساحات شهری دور دست فراهم خواهد کرد.

زون های خاص اقتصادی بر اساس سهولت اتصال به بازارها، دسترسی به نیروی کار، موجودیت زمین و تأثیرات اجتماعی و محیط زیستی در موقعیت های مناسب شهری ایجاد شده می توانند. این زون های خاص اقتصادی مجموعه یی از سهولت ها همچو زیربناهای با کیفیت، تأمین برق قابل اعتماد، تهیه ساحات مختلف برای صنایع کوچک، متوسط و بزرگ متناسب با وسعت فعالیت های اقتصادی؛ مراکز تجارتی برای مراقبت از فعالیت های اقتصادی کوچک، بسته های

^۶ انکشاف اقتصاد محلی در عمل - بسته ابزاری برای دست اندرکاران انکشاف اقتصاد محلی. دفتر اسکان بشر

ملل متحد، سال ۲۰۱۳

^۷ وضعیت شهرهای افغانستان، سال ۲۰۱۵.

^۸ پالیسی های ابتکاری در اقتصاد غیر رسمی شهری. سال ۲۰۰۶. دفتر اسکان بشر ملل متحد (UN Habitat)

تصویر شماره ۳: نمونه‌یی از بازارها و ساحات پرچون فروشی در داخل مکان‌های عامه و استفاده نشده



منطقه هایلاین در شهر نیویورک: اجازه دادن به بازارهای موقتی در
ساحات استفاده نشده و یا تحت کار مانند ساحات واقع در زیر شاهراه
ها



بنکاک : اختصاص ساحات مخصوص پیاده رو در سرک ها برای خریداری اجناس.

مسیر های آینده :

- تهیه و تطبیق پلان های انکشاف اقتصادی محلی در مطابقت با پلان های فضای جغرافیای ملی در شهرهای استراتژیژیک و شاروالی ها که دارای سلسله مراتب و وظایف مختلف اند ؛ بطور مثال، مراکز ولایات هرات و مزار شریف، مراکز تجارتی و ترانزیتی مانند تالقان و کندز و مرکز بامیان.
- تخلیه مراکز شهر از ساحات صنعتی واقع شده در ساحات تجارتی و رهایشی؛ مثلا در کندهار و جلال آباد با استفاده از پلان شهری، مقررات ساحه بندی و مشوق های اقتصادی و انتقال آنها در پارک های صنعتی و زون های خاص اقتصادی جهت بهره مند شدن از فواید متراکم سازی فعالیت های صنعتی و اقتصادی در یک ساحه مشخص میباشد. به همراه اسکان آنها برای تقویت فواید تراکم.
- بهبود ترانسپورت داخل شهری و زیربنای اقتصادی در داخل شهرها و مرزهای شهرها برای کاهش هزینه های تراکم و بهبود فضاء برای فعالیت های اقتصادی.
- انجام تحقیقات ساحوی در موجوده اقتصادی برای تهیه اسناد پالیسی مبتنی بر اسناد و پلان های زیربنایی برای کاهش خطر عدم موفقیت ساحات اقتصادی و حصول اطمینان از مطابقت آن با دیگر موسیسن تجارتی.
- تنظیم فعالیت های اقتصادی غیر رسمی در سرتاسر شهر و تشکیل نواحی جهت انکشاف تجارت و شوراهای تجارتی برای بهبود فضای فعالیت های غیر رسمی و تقویت مثمریت فعالیت های شهری.
- ایجاد و حمایت از مراکز فعالیت های اقتصادی برای ارتقاء سرمایه گذاری های جدید، تاجران کوچک و متوسط ، آغاز فعالیت های تجارتی جدید التاسیس در همکاری با سکتور خصوصی بشمول سرمایه گذاران در فعالیت های اقتصادی غیر رسمی.